# الگوی فقهی دفاع غیر نظامی در برابر سیاست های چند لایه جنبش چای آمریکا

*مصطفی گلیج*[۱]
*نیما ارزانی*[۲]
*مهدی آقا بابایی*[۳]

چکیده

فقه شیعه با تکیه بر اصول بنیادینی چون قاعده نفی ضرر، نفی سبیل، حفظ نظام و مقاصد شریعت، ظرفیت‌های گسترده‌ای برای مواجهه عقلانی، مدنی و غیرمسلحانه با سلطه و تجاوز فراهم می‌آورد. این اصول که در راستای صیانت از ارکان اساسی حیات انسانی همچون دین، جان، عقل، مال و نسل و نیز دفع ظلم و حفظ امنیت اجتماعی استوار شده‌اند، بنیانی فقهی برای واکنش به سیاست‌های سلطه‌گرایانه فراهم می‌کنند. در این چارچوب، اقداماتی چون تحریم هدفمند، آگاهی‌بخشی فرهنگی، دیپلماسی عمومی و دفاع نرم، از منظر فقهی مشروع و راهگشا قلمداد می‌شوند. مقاله حاضر با تحلیل تجربه‌های سیاسی معاصر، به‌ویژه ظهور جریان محافظه‌کار و پوپولیستی جنبش چای در آمریکا، تلاش دارد ظرفیت‌های فقهی در مواجهه با این نوع سیاست‌ها را بررسی کند. جنبش چای که پس از بحران اقتصادی ۲۰۰۸ با شعارهایی چون کاهش نقش دولت، تأکید بر آزادی‌های فردی و بازگشت به ارزش‌های سنتی ظهور یافت، با ساختار غیرمتمرکز خود تأثیر مهمی بر سیاست‌های اقتصادی و اجتماعی ایالات متحده

۱. دانش پژوه سطح چهار حوزه علیه قم ، nima.arzani@gmail.com

۲. دانش پژوه سطح چهار حوزه علیه قم، nima.arzani@yahoo.com

۳. دانش پژوه سطح چهار حوزه علیه قم، mahdi۱۱٤a.b@gmail.com

گذاشته است؛ سیاست‌هایی که در مواردی به تقویت نابرابری و تضعیف اقشار محروم منجر شده‌اند. از منظر فقه شیعه، این رویکردها چالشی برای عدالت اجتماعی و کرامت انسانی محسوب می‌شوند. مقاله با الهام از تجارب تاریخی مانند فتوای تحریم تنباکو و نهضت مشروطه، راهبردهایی بومی شامل تقویت گفتمان دینی ـ ملی، تحریم هوشمند، روشنگری رسانه‌ای و دیپلماسی آگاهانه را برای مقابله‌ای مشروع و مؤثر پیشنهاد می‌دهد.

**کلیدواژه‌ها:** فقه،دفاع،غیرنظامی،حزب چای،آمریکا.

**مقدمه**

***فقه در مواجهه غیرنظامی[1]***

فقه اسلامی، به‌عنوان یک نظام حقوقی و اخلاقی جامع، در حوزه مواجهه با تهدیدات و سیاست‌های سلطه‌جویانه، چارچوب‌های خاصی را برای اقدامات غیرنظامی و مدنی تبیین کرده است. مهم‌ترین مبانی فقهی مرتبط با مواجهه غیرنظامی، مبتنی بر قواعد کلی فقهی (الضوابط الفقهیۀ) و مقاصد شریعت است (الزحیلی،۱۴۰۹:۱۰۲).

نخستین قاعدۀ قابل استناد، قاعدۀ نفی ضرر (لا ضرر و لا ضرار) است که بر اساس آن هیچ فرد یا جامعه‌ای حق ندارد اقدامی انجام دهد که منجر به ضرر به دیگری یا خود شود، مگر در مقام دفع ضرری بزرگ‌تر (نجفی،۱۳۶۲:۲۳۰). این قاعده مبنایی برای مشروعیت مقاومت‌های غیرنظامی در برابر سیاست‌های ظالمانه

۱. Islamic Jurisprudence in Nonviolent Resistance

است؛ زیرا هدف، دفع ضرر عظیم‌تر یعنی سلطه یا استیلای غیرمشروع است (مکارم شیرازی،۱۳۸۲:۲۳).

قاعدهٔ تسامح در ادله سنن و قاعدهٔ الزام نیز به‌عنوان ابزارهای فقهی در مواجهه غیرنظامی مطرح‌اند؛ بدین معنا که می‌توان از شیوه‌های نرم و مبتنی بر اصول اخلاقی، مانند تحریم اقتصادی یا اعتراض‌های مدنی، برای مقابله با سیاست‌های سلطه‌طلبانه بهره برد (هاشمی شاهرودی،۱۳۸۲:۱٤۷).

همچنین، مقاصد شریعت (مقاصد عامه) که شامل حفظ دین، نفس، عقل، نسل و مال است، مشروعیت اقدامات مدنی و غیرنظامی را در چارچوب دفاع از این مقاصد تأیید می‌کند (شاطبی،۱٤۳۱:۲۳۰). به عبارتی، هرگونه مواجهه‌ای که در راستای حفظ این مصالح کلان باشد و به بی‌نظمی و فساد نینجامد، در فقه اسلامی مجاز شناخته می‌شود (غزالی،۱٤۲٤:۵۸).

در کنار این قواعد، اصل امر به معروف و نهی از منکر[۱] نیز پایهٔ فقهی دیگری است که بر ضرورت تلاش برای اصلاح جامعه و جلوگیری از بسط ظلم، تأکید دارد. این اصل زمینه‌ساز مشروعیت مقاومت غیرمسلحانه است، به‌ویژه آنجا که هدف، رفع ظلم و فساد و اصلاح سیاست‌های مخرب باشد (مطهری،۱۳٦۷:۹۷).

### ***جنبش چای: خاستگاه، ماهیت***

جنبش چای (Tea Party Movement) را نمی‌توان صرفاً یک جریان اعتراضی موقت یا واکنشی زودگذر به برخی سیاست‌های دولتی تلقی کرد؛ بلکه این جنبش، صورت‌بندی نوینی از محافظه‌کاری آمریکایی است که در آغاز دهه دوم قرن بیست‌ویکم، سیاست ایالات متحده را به طرز چشم‌گیری متحول ساخت. در اصل، جنبش چای واکنشی به افزایش مداخله دولت فدرال در

---

۱. Promotion of Good and Prevention of Evil

حوزه‌های اقتصادی و اجتماعی بود؛ اما به‌مرور، به جنبشی سازمان‌یافته، تأثیرگذار و دارای بازنمایی سیاسی بدل شد که نه‌تنها جهت‌گیری حزب جمهوری‌خواه را تغییر داد، بلکه زمینه‌ساز تغییرات عمیق‌تری در بافت ایدئولوژیک ایالات متحده شد. (کوپال و ویلیامسون، ۲۰۱۱: ۲۱٦)

خاستگاه جنبش چای را باید در بستر بحران اقتصادی سال ۲۰۰۸ جستجو کرد؛ بحرانی که بی‌اعتمادی گسترده‌ای نسبت به نهادهای مالی، سیاست‌مداران سنتی و ساختارهای حزبی موجود ایجاد کرد. در چنین فضایی، روی کار آمدن دولت باراک اوباما با دستور کاری متمایل به گسترش دولت رفاه، به‌ویژه در قالب تصویب "طرح مراقبت مقرون‌به‌صرفه(Obamacare) "، منجر به بسیج نیروهایی شد که دغدغه‌ی محدودسازی دولت و بازگشت به اصول بنیادین قانون اساسی را داشتند. (کوپال و ویلیامسون، ۲۰۱۱: ۹۱) نماد تاریخی "Boston Tea Party"در قرن هجدهم که اعتراض مستعمره‌نشینان به مالیات‌های غیرمنصفانه بریتانیا را بازمی‌تاباند، به‌سرعت به بستری نمادین برای این جنبش مدرن بدل شد. محافظه‌کاران، فعالان لیبرتارین[1] و شهروندان نگران از گسترش دولت، با ارجاع به این نماد تاریخی، به تشکیل شبکه‌ای از اعتراضات و سازمان‌های غیرمتمرکز تحت عنوان «جنبش چای» پرداختند. (ری، ۲۰۲۵)

نخستین جرقه‌های سازمان‌یافته‌ی جنبش چای در فوریه ۲۰۰۹ با اظهارات جنجالی ریک سنتلی[2]، خبرنگارCNBC ، بر ضد بسته‌های حمایتی دولت، در بازار بورس شیکاگو زده شد. او خواستار برگزاری یک «مهمانی چای شیکاگو»

---

۱. فعالان لیبرترین، افرادی هستند که به لیبرترینیسم، یک فلسفه سیاسی و جنبشی که بر آزادی فردی و حکومت کمینه تأکید دارد، معتقدند. این افراد معمولاً در زمینه‌های مختلفی از جمله سیاست، اقتصاد و حقوق فردی فعالیت می‌کنند.

۲. Rick Santelli

شد تا مردم در اعتراض به کمک‌های دولتی به خانواده‌هایی که وام مسکن خود را از دست داده بودند، گرد هم آیند. این فراخوان که به‌سرعت در فضای مجازی، به‌ویژه در شبکه توییتر، پخش شد، موجب شکل‌گیری نخستین تجمعات رسمی با نام «جنبش چای» در شهرهای مختلف آمریکا شد. اندکی بعد، شبکه فاکس‌نیوز با پوشش گسترده این اعتراضات، نقش مهمی در تقویت مشروعیت رسانه‌ای این جنبش ایفا کرد و آن را از یک جریان حاشیه‌ای به پدیده‌ای ملی تبدیل کرد. (کابایرو، ۲۰۰۹)

آنچه جنبش چای را از دیگر جنبش‌های سیاسی متمایز می‌کند، ساختار غیرمتمرکز و چندلایه‌ی آن است.(پالمر، ۲۰۱۱: ۲۳) برخلاف احزاب سنتی با رهبری واحد و برنامه‌های از پیش تعیین‌شده، جنبش چای از صدها گروه محلی کوچک تشکیل شده است که به‌صورت مستقل فعالیت می‌کنند، اما با اهداف و ارزش‌های مشترک همچون "دولت کوچک"، "مالیات کمتر"، و "آزادی فردی" هم‌سو هستند. سازمان‌هایی مانندTea Party Patriots ، FreedomWorks و Americans for Prosperity نقش پشتیبان و هماهنگ‌کننده‌ای در سطح ملی دارند، اما رهبری مستقیم این جنبش از دل کنشگران محلی، فعالان بازنشسته، و حتی مادران خانه‌دار برمی‌خیزد که با انگیزه‌های شخصی، خانوادگی و ایدئولوژیک وارد کنش سیاسی شده‌اند. (هپلر، ۲۰۲۳)

از نظر اجتماعی، پایه‌های انسانی جنبش چای را عمدتاً سفیدپوستان طبقه متوسط و بالاتر، با سنین بالای ٤٥ سال، گرایش‌های مذهبی محافظه‌کارانه، و سوابق کاری در حرفه‌های آزاد یا نظامی تشکیل می‌دهند. آنان با احساس واگرایی فرهنگی، اقتصادی و سیاسی از آمریکای مدرن، آرمان‌شهری از گذشته را بازنمایی می‌کنند که در آن، دولت مداخله‌گر نبوده، ارزش‌های خانواده برجسته بوده‌اند، و بازار آزاد بدون محدودیت حاکم بوده است. این ویژگی‌ها سبب

شده‌اند تا جنبش جنبش چای نـه‌تنها به‌مثابـه نیرویـی اعتراضـی، بلکـه بـه‌عنوان حرکتی بازنگرانه نسبت به ساختارهای مدرن سیاسی–اجتماعی در آمریکا شناخته شود. (اسکوپول، ۲۰۲۵: ۲۸)

برخلاف تصور رایج که جنبش چـای را صـرفاً ابـزاری در خـدمت نخبگـان راسـت‌گرای اقتصـادی می‌دانـد، پژوهش‌هـای میـدانی، از جملـه مطالعـه‌ی تـدا اسکوپال و ویلیامسون نشان می‌دهد که این جنبش ترکیبی از سـه نیـروی اصـلی است: ۱) کنشگران مردمی در سطوح محلی، ۲) سازمان‌های ثروتمند حامی بـازار آزاد در سطح ملی، و ۳) رسانه‌های محافظه‌کار مانند فاکس‌نیوز که نقش کاتالیزور و بازنمای رسانه‌ای این جنبش را برعهده داشته‌اند. این سه‌گانه‌ی پیچیده، پویایی و نفـوذ جنـبش چـای را در حیـات سیاسـی آمریکـا امکان‌پـذیر سـاخته اسـت. (اسکوپال و ویلیامسون، ۲۰۱۱: ۵۵)

### *اصول و سیاست‌های بنیادین جنبش چای: تحلیل مفهومی و رفتاری*

جنـبش چـای، از بـدو شـکل‌گیری خـود، حامـل مجموعـه‌ای از اصـول و سیاست‌های رادیکال‌نما اما ریشه‌دار در سنت محافظه‌کاری آمریکایی بوده اسـت. برخلاف احزاب مرسوم که برنامه‌هایی متمرکز و راهبردی دارنـد، جنـبش چـای به‌واسطه ساختار غیرمتمرکز خود، سیاست‌هایش را از بطـن شـعارها، کنش‌هـای اجتماعی و گفتمان‌های سیاسی استخراج می‌کند. با این حال، می‌توان مجموعه‌ای از اصول بنیادین و سیاست‌های کلیدی را به‌عنوان شـالوده فکـری و عملـی ایـن جنبش

استخراج کرد که در ادامه بـه تفصـیل بررسـی می‌شـود. (راس و همکـاران، ۲۰۲۲)

### دولت کوچک و حداقلی

نخستین و محوری‌ترین اصل جنبش چای، اعتقاد راسخ به نقش حداقلی دولت در حیات اجتماعی و اقتصادی است. اعضای این جنبش با تمسک به قرائتی کلاسیک از قانون اساسی آمریکا و ارجاع به متفکرانی چون فردریش فون هایک[۱]، دولت را عاملی برای تحدید آزادی‌های فردی می‌دانند. آنان مداخلات دولت در قالب طرح‌هایی چون بیمه سلامت همگانی(Obamacare) ، حمایت‌های مالی از نهادهای اقتصادی ورشکسته، و حتی یارانه‌های انرژی را مصداق «پدرسالاری دولتی» و «سوسیالیسم خزنده» تفسیر می‌کنند. این نگرش، دولت را نه ضامن عدالت، بلکه تهدیدی برای خودکفایی و مسئولیت‌پذیری فردی قلمداد می‌کند. (کوپال و ویلیامسون، ۲۰۱۱: ۱۰۳)

### مسئولیت مالی و مالیات‌گریزی

یکی از شعارهای کلیدی جنبش چای، «مالیات کمتر»۲ است که عملاً به ریشه اسمی این جنبش نیز تبدیل شده است. آنان دولت‌های لیبرال‌گرا را متهم به ولخرجی، کسری بودجه ساختاری و بدهی‌سازی برای نسل‌های آینده می‌کنند. سیاست مالی جنبش چای مبتنی بر کاهش شدید مالیات‌ها، حذف برنامه‌های رفاهی گسترده و ایجاد انضباط مالی در نهادهای دولتی است. در این چارچوب، حمایت‌های مالی دولتی – چه از شهروندان نیازمند و چه از بنگاه‌های بزرگ – به‌مثابه «پاداش دادن به شکست» قلمداد می‌شود. (کوپال و ویلیامسون، ۲۰۱۱: ٤۹)

---

۱. Friedrich Hayek

۲ . Taxed Enough Already (TEA).

### سرمایه‌داری بازار آزاد

اعضای جنبش چای بر این باورند که تنها مکانیزم مشروع برای تخصیص منابع، بازار آزاد و رقابت بدون مداخله دولتی است. این جنبش، تنظیم‌گری دولت در حوزه‌هایی چون بهداشت، محیط زیست، و کار را تهدیدی علیه نوآوری، کارآفرینی و برابری فرصت‌ها می‌داند. از نگاه آنان، تنها در فضای بازار آزاد و فاقد دخالت، می‌توان به آزادی واقعی اقتصادی دست یافت. به همین سبب، هرگونه برنامه تنظیم‌گرایانه یا حمایتی از جانب دولت، مصداق «بی‌اعتمادی به عقلانیت شهروندان» تلقی می‌شود. (مرکز تحقیقات پیو، ۲۰۱۰)

### وفاداری به ارزش‌های سنتی و هویت آمریکایی

جنبش چای، فراتر از یک جنبش اقتصادی، خود را پاسدار «روح آمریکا» می‌داند؛ روحی که از منظر آنان در ارزش‌هایی چون مسیحیت، خانواده سنتی، میهن‌دوستی انتقادناباور و اخلاق محافظه‌کارانه نهفته است. این جنبش به‌عنوان واکنشی به دگرگونی‌های فرهنگی و هویتی دوران پس از اوباما تحلیل می‌شود؛ تغییراتی که از نگاه اعضای جنبش چای، انسجام فرهنگی و سلطه اجتماعی طبقه سفید، میانه‌سال و مسیحی را به چالش کشیده است. در این فضا، مخالفت با مهاجرت غیرقانونی، ازدواج همجنس‌گرایان، و برابری نژادی در سیستم‌های آموزشی، بازتاب‌هایی از دغدغه‌های هویتی جنبش چای هستند(پارکر و بارتو،۲۰۱٤:۱٥٤).

### ملی‌گرایی اقتصادی و رد چندجانبه‌گرایی

یکی دیگر از ابعاد سیاست‌گذاری جنبش چای، ترویج ملی‌گرایی اقتصادی است؛ مفهومی که با شعارهایی مانند "Buy American" یا "America First"در دوره‌های بعدی جمهوری‌خواهان شدت گرفت. آنان با سازمان‌های

فراملی مانند سازمان تجارت جهانی، توافق‌نامه‌های اقلیمی و حتی نهادهای بین‌المللی حقوق بشر با دیده تردید می‌نگرند. سیاست خارجی مطلوب جنبش چای، مبتنی بر «حفظ منافع ملی»، تقویت قوای نظامی، و اجتناب از مداخلات بی‌پایان در دیگر کشورهاست. (ایوالدی و ماتزولنی،۲۰۱۸:٥٦)

### *بدبینی ساختاری نسبت به نخبگان*

از منظر جامعه‌شناختی، جنبش چای یکی از نمودهای آشکار «پوپولیسم محافظه‌کار» در آمریکا محسوب می‌شود. این جنبش، نسبت به نخبگان سیاسی، رسانه‌ای، علمی و فرهنگی بدبینی بنیادین دارد. رسانه‌های جریان اصلی (Mainstream Media [1])را به «سانسور» و «تحریف واقعیت» متهم کرده و دانشگاه‌ها را بستر اشاعه «لیبرالیسم رادیکال[2]» معرفی می‌کند. در عوض، مشروعیت خود را از «مردم عادی»، «مالیات‌دهندگان صادق» و «کارآفرینان سخت‌کوش» می‌گیرد. (شروبرلت، ۲۰۱٤)

## ساختار و سازماندهی جنبش چای و اقدامات آن

جنبش چای را نمی‌توان در چارچوب سنتی احزاب سیاسی رسمی تحلیل کرد. این جنبش نه ساختار حزبی کلاسیک دارد، نه دبیرخانه مرکزی، و نه رهبری واحد. بلکه نوعی «جنبش اجتماعی پوپولیستی غیرمتمرکز» است که با استفاده از

---

۱. به رسانه‌هایی گفته می‌شود که عموماً در دسترس و شناخته شده برای اکثریت مردم هستند و معمولاً دیدگاه‌های غالب را منعکس می‌کنند.

۲. این تفکربه دنبال اجرای کامل و بدون سازش ارزش‌های لیبرالی است، حتی اگر نیاز به تغییرات اساسی و عمیق در نظام سیاسی و اجتماعی باشد. این نوع لیبرالیسم ممکن است به شدت بر رفع نابرابری‌ها، گسترش آزادی‌های فردی و حذف هرگونه ساختار تبعیض‌آمیز تأکید کند.

زیرساخت‌های دیجیتال، سازمان‌های اقماری، و کنشگری محلی، شبکه‌ای از مشارکت عمومی را حول محور محافظه‌کاری اقتصادی، فرهنگی و سیاسی شکل داده است. این ساختار سیال و هم‌زمان چندلایه، از جمله عوامل مهم پویایی و نفوذ جنبش چای در صحنه سیاسی دهه‌های اخیر ایالات متحده بوده است. (کوهن، ۲۰۱۵)

### ساختار غیرمتمرکز و سازماندهی شبکه‌ای

جنبش چای برخلاف بسیاری از احزاب و جنبش‌های سیاسی، فاقد یک ساختار سلسله‌مراتبی از بالا به پایین است. به‌جای آن، این جنبش متکی بر صدها گروه محلی در ایالت‌های مختلف است که هر یک استقلال نسبی دارند و به‌صورت خودجوش فعالیت می‌کنند. بسیاری از این گروه‌ها توسط بازنشستگان طبقه متوسط، زنان خانه‌دار و فعالان مذهبی اداره می‌شوند که نگران آینده اقتصادی، فرهنگی و هویتی کشور هستند. این افراد با بهره‌گیری از شبکه‌های اجتماعی، جلسات محلی، و بسیج‌های خیابانی، عملاً موتور محرک جنبش را در سطوح محلی تشکیل می‌دهند. (والد، اسکز، ۲۰۱۸)

در کنار این کنشگران مردمی، ساختار سازمانی جنبش در سطح ملی نیز توسط نهادهایی همچون FreedomWorks، Tea Party Patriots، و Americans for Prosperity تقویت می‌شود. این نهادها که عمدتاً از سوی میلیاردرهای محافظه‌کار مانند خانواده کوک، حمایت مالی می‌شوند، با تأمین منابع، آموزش رسانه‌ای و راهبردهای حقوقی، به نوعی ستون فقرات جنبش در سطح ملی تبدیل شده‌اند. این پیوند میان حمایت‌های مالی نخبگان اقتصادی و کنشگری مردمی محلی، به نوعی «ائتلاف طبقاتی محافظه‌کارانه» منجر شده که هم

از بالا و هم از پایین، جنبش را هدایت و تقویت می‌کند.(کوپال و ویلیامسون، ۲۰۱۱: ۱۰٤)

### نقش رسانه و ابزارهای دیجیتال

یکی از ارکان سازماندهی جنبش چای، بهره‌گیری هوشمندانه از رسانه‌های نوظهور و شبکه‌های اجتماعی است. از نخستین روزهای شکل‌گیری این جنبش در سال ۲۰۰۹، ابزارهایی چون فیس‌بوک، توییتر، وبلاگ‌ها و شبکه‌های پادکست به عنوان ابزارهای بسیج عمومی، هماهنگی رویدادها، و انتشار روایت‌های جایگزین از واقعیت، ایفای نقش کردند. همچنین، شبکه‌های خبری راست‌گرا مانند Fox News و شخصیت‌هایی چون گلن بک[۱]، نقشی کلیدی در مشروعیت‌بخشی رسانه‌ای به این جنبش داشتند. بدین ترتیب، جنبش چای توانست خارج از چارچوب رسانه‌های جریان اصلی، یک «اکوسیستم ارتباطی موازی[۲]» بنا نهد. (کارتر پارکس، ۲۰۱۵)

### اقدامات محوری جنبش چای

جنبش چای، برخلاف ساختار غیرسنتی خود، در حوزه کنشگری سیاسی عملکردی بسیار هدفمند و تأثیرگذار داشته است. یکی از مهم‌ترین نمودهای این عملکرد، نقش آن در انتخابات میان‌دوره‌ای کنگره در سال ۲۰۱۰ بود. در این انتخابات، با حمایت مستقیم و غیرمستقیم جنبش چای، بیش از ۸۰ نامزد محافظه‌کار با شعارهای ضد مالیات و ضد دولت فدرال وارد مجلس نمایندگان

---

۱ .Glenn Beck-. ۱۹٦٤

۲ . "اکوسیستم ارتباطی موازی" به مجموعه‌ای از کانال‌های ارتباطی اشاره دارد که به طور همزمان و در کنار هم عمل می‌کنند تا یک جریان داده یا اطلاعات را انتقال دهند.

شدند. این موج باعث شد تا نه‌تنها توازن قوا در کنگره تغییر یابد، بلکه حزب جمهوری‌خواه نیز ناگزیر به چرخشی راست‌گرایانه‌تر در سیاست‌گذاری‌های خود شد. (بارت، ۲۰۱۱)

در حوزه اجتماعی، جنبش چای از طرح‌هایی چون قوانین محدودکننده مهاجرت، طرح‌های مقابله با اقلیت‌های جنسی و محدودیت‌های رأی‌دهی در ایالت‌های مختلف حمایت کرده است. در بسیاری از موارد، این حمایت‌ها به شکل مستقیم در قالب فشار بر نمایندگان ایالتی، حضور در جلسات عمومی قانون‌گذاری، و سازماندهی کمپین‌های میدانی انجام شده‌اند. این نوع از فعالیت‌ها نشان می‌دهند که جنبش چای صرفاً جنبشی نظری یا اعتراضی نیست، بلکه ظرفیت بسیج سیاسی عملیاتی در سطوح مختلف حکمرانی دارد. (مایکل، ۲۰۱۵)

### *رابطه با حزب جمهوری‌خواه*

یکی از ویژگی‌های دوگانه جنبش چای، رابطه پیچیده‌اش با ساختار رسمی حزب جمهوری‌خواه است. از یک سو، بسیاری از اعضای جنبش چای خود را جمهوری‌خواه می‌دانند و در چارچوب این حزب فعالیت می‌کنند؛ اما از سوی دیگر، آنان با رویکردهای میانه‌رو یا محافظه‌کاران سنتی درون حزب مخالف‌اند. در واقع، جنبش چای فشار «از پایین» را بر حزب جمهوری‌خواه وارد کرده تا مواضعی رادیکال‌تر در قبال مسائل اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی اتخاذ کند. این فشار به‌ویژه در دوره‌هایی چون ریاست‌جمهوری باراک اوباما، به رادیکالیزه شدن فضای سیاسی آمریکا کمک کرد. (الیوت، ۲۰۱۷)

بازتاب سیاست‌های جنبش چای در دکترین‌های ریاست‌جمهوری ایالات متحده: از واکنش به بازتعریف ظهور جنبش چای را نمی‌توان صرفاً به‌عنوان یک واکنش اعتراضی به سیاست‌های دولت باراک اوباما دانست؛ بلکه این جنبش، با

ریشه‌گرفتن در نگرانی‌های تاریخی محافظه‌کاران آمریکایی و بازسازی نوعی "محافظه‌کاری واکنشی"(Reactionary Conservatism) ، موفق شد مسیر شکل‌گیری و اجرای دکترین‌های ریاست‌جمهوری بعدی را تغییر دهد. جنبش چای تجلی احساس تهدید بخشی از جامعه سفیدپوست، طبقه متوسط و مذهبی بود که دگرگونی‌های نژادی، فرهنگی و جنسیتی آمریکا در دوره اوباما را نوعی «انحراف از آمریکای اصیل» می‌دانست. این گفتمان به‌مرور از یک جنبش مردمی به یک نیروی مؤثر در تدوین دکترین‌های اجرایی در سطح ریاست‌جمهوری تبدیل شد. (پارکر و بارتو، ۲۰۱٤: ۲۱۸)

### دولت حداقلی: تأثیر مستقیم بر سیاست‌گذاری اقتصادی

یکی از بنیادی‌ترین آموزه‌های جنبش چای، باور به کوچک‌سازی دولت و تقلیل نقش آن در اقتصاد و رفاه اجتماعی است. این اصل، که در مخالفت با سیاست‌های رفاهی دولت اوباما نظیر طرح «مراقبت مقرون‌به‌صرفه» بروز یافت، در دوران ریاست‌جمهوری دونالد ترامپ، به یک دکترین اجرایی نهادینه بدل شد. گرچه جنبش چای فاقد ساختار رسمی یک حزب سیاسی است، اما توانست از طریق نفوذ بر نامزدهای جمهوری‌خواه، به تصویب قوانینی کمک کند که مستقیماً بودجه نهادهای دولتی را کاهش دادند، برنامه‌های بازتوزیعی را محدود کردند و مالیات بر اقشار ثروتمند را کم نمودند. این تغییرات به‌ویژه در بودجه‌های سالانه دولت فدرال، طرح‌های حمایت از آموزش عمومی، بیمه درمانی و برنامه‌های ضد فقر کاملاً قابل ردیابی هستند. .(کوپال و ویلیامسون، ۲۰۱۱: ۹۱_۹۷)

### ملی‌گرایی اقتصادی و آمریکا نخست

جنبش چای با اتخاذ گفتمان «ملی‌گرایی اقتصادی»، زمینه‌ساز بازتعریف سیاست خارجی و اقتصادی آمریکا در دوره ترامپ شد. مفاهیمی مانند حمایت

از تولید داخلی، مخالفت با مهاجرت، و تجدیدنظر در توافق‌نامه‌های تجاری بین‌المللی، ریشه در فهم محافظه‌کارانه‌ای دارند که در جنبش چای تبلور یافت. (زسکیند، ۲۰۱۳) دکترین «America First» ترامپ، در واقع ادامه گفتمان جنبش چای بود که تجارت آزاد را نه به‌مثابه موتور توسعه، بلکه تهدیدی برای استقلال اقتصادی و حاکمیت ملی آمریکا می‌دانست. این نگرش ناشی از ترس عمیق طبقات متوسط سفیدپوست از از دست‌دادن موقعیت اقتصادی‌شان در رقابت با مهاجران و کشورهای صنعتی نوظهور بود. به‌این‌ترتیب، خروج از توافق‌هایی نظیر «برجام[۱] »، «پیمان آب‌وهوایی پاریس[۲] »، بازنگری در «نفتا[۳] »، و اعمال تعرفه‌های سنگین وارداتی، تنها سیاست‌هایی تکنیکی نبودند؛ بلکه بازتاب روان‌شناسی سیاسی جنبش چای در سطح دکترینالی بودند. (درولت و مایکل، ۲۰۱۹)

### *بازتعریف مفهوم «دشمن» و نهادینه‌سازی نگاه توطئه‌محور*

جنبش چای در ادبیات خود، نه‌تنها دولت بزرگ و مالیات‌گیری را هدف انتقاد قرار داد، بلکه تصویری تیره از «دشمنان داخلی» – شامل مهاجران، لیبرال‌ها، مسلمانان و اقلیت‌های جنسی – ترسیم کرد. جنبش چای در واقع نوعی سیاست «هویت‌گرا» را بازتولید کرد که طی آن، فقط شهروند سفیدپوست، مسیحی،

---

۱. Joint Comprehensive Plan of Action

۲. یک توافقنامه بین‌المللی است که در سال ۲۰۱۵ در شهر پاریس به تصویب رسید و هدف آن کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای و مقابله با تغییرات اقلیمی است.

۳. نفتا (NAFTA) مخفف عبارت North American Free Trade Agreement است که آن را قرارداد یا پیمان تجارت آزاد آمریکای شمالی هم می‌نامند.

دگرجنس‌گرا و بومی، واجد «حق تعلق» به هویت آمریکایی شمرده می‌شد. (پونتنس، ۲۰۱۳: ۱۱)

این ذهنیت، زمینه‌ساز پذیرش گفتمان توطئه‌محور در دوره ترامپ شد؛ از جمله تردید در تابعیت اوباما، تهمت به مسلمانان، و تحریک احساس خطر نسبت به مهاجران مکزیکی یا پناهجویان مسلمان. دکترین سیاست داخلی ترامپ – از جمله فرمان‌های اجرایی علیه مهاجرت، ساخت دیوار مرزی، و قانون منع ورود اتباع برخی کشورها – بازتابی مستقیم از گفتمان حزب چای در بازتولید «دیگری‌سازی» و بازتعریف مرزهای فرهنگی-نژادی آمریکا بود.

### ***بی‌اعتمادی به نهادهای دولتی و رسانه‌ای***

یکی دیگر از مؤلفه‌های حزب چای، ترویج بی‌اعتمادی ساختاری به نهادهای دولتی، نخبگان سیاسی و رسانه‌های جریان اصلی بود. جنبش از همان آغاز رسانه‌هایی چون CNN یا نیویورک‌تایمز را «رسانه‌های دروغ‌گو» معرفی می‌کرد. در ادامه، ترامپ نیز همین خط‌مشی را در قالب سیاست رسمی ریاست‌جمهوری اتخاذ کرد و با عبارات مشهوری چون "Fake News" و "Deep State"مشروعیت نهادهای اطلاع‌رسانی، قضایی و حتی امنیتی را زیر سؤال برد. (الیوت، ۲۰۱۷)

این نگاه، نه‌تنها سیاست رسانه‌ای دولت را تغییر داد، بلکه به شکل‌گیری فضایی قطبی انجامید که در آن اعتماد عمومی به دانش تخصصی، نهادهای مستقل و حتی علم آسیب دید. پیامدهای این رویکرد را می‌توان در مواجهه با بحران‌هایی چون همه‌گیری کرونا، تغییرات اقلیمی و انتخابات ۲۰۲۰ دید؛ جایی که اتهام‌زنی، تئوری‌های توطئه، و بی‌اعتنایی به داده‌های علمی به دکترین اجرایی تبدیل شدند.

### تأثیرگذاری بر ساختار حزب جمهوری‌خواه

تأثیر حزب چای بر دکترین‌های ریاست‌جمهوری صرفاً محدود به سیاست‌های اجرایی نیست، بلکه به‌واسطه تغییر در ساختار حزب جمهوری‌خواه، جهت‌گیری کلی دموکراسی آمریکا را نیز دگرگون کرده است. حزب چای نه از طریق تأسیس حزبی جدید، بلکه با نفوذ در بدنه جمهوری‌خواهان، «جهت باد سیاسی» را تغییر داد. این نفوذ باعث شد تا چهره‌هایی چون مارکو روبیو[۱] ، تد کروز[۲] و در نهایت دونالد ترامپ، سخنگوی اصول حزب چای در سطح ملی شوند. حتی پس از کاهش تحرکات صریح حزب چای، بازتاب‌های آن در «ترامپیسم» ادامه یافت. جنبش‌هایی نظیر MAGA (Make America Great Again)عملاً دنباله گفتمانی حزب چای محسوب می‌شوند که اکنون با صورت‌بندی جدید، در دل جریان محافظه‌کاری ریشه دوانده‌اند. (بلوم، کریستوفر، ۲۰۱۹)

فقه شیعه به‌عنوان نظام حقوقی- اخلاقی برگرفته از قرآن، سنت، عقل و اجماع، چارچوب مشخصی برای مواجهه با تهدیدات و سیاست‌های سلطه‌طلبانه ارائه می‌دهد. در حوزه مواجهه غیرنظامی[۳] ، چند قاعده کلیدی فقهی مبنای اقدامات مشروع مدنی و مقاومت‌های بدون خشونت است:

---

۱. Marco Rubio

۲. Ted Cruz

۳. Nonviolent Resistance

### قاعده لا ضرر و لا ضرار[۱]

قاعده لا ضرر یکی از قواعد فقهی مستند به حدیث نبوی « لاضَرَرَ وَ لاضِرارَ فی الاسلام۲ » است. این قاعده، به‌عنوان اصلی عام، هر گونه اقدام مضر به دیگران یا خود را ممنوع می‌داند، مگر آنکه برای دفع ضرر بزرگ‌تر باشد (مکارم شیرازی،۹۷:۱۳۸۲). این قاعده مستند عقلانی مقاومت غیرنظامی است، زیرا هدف آن، دفع سلطه و سیاست‌های استیلاگرانه است که موجب ضرر به کیان امت اسلامی می‌شود (هاشمی شاهرودی،۱٤۰:۱۳۸۲).

### مقاصد شریعت[۳]

مقاصد شریعت به‌ویژه در فقه شیعه، بر ضرورت حفظ دین، نفس، عقل، نسل و مال تأکید می‌کند. هرگونه اقدام مدنی و غیرنظامی که برای صیانت از این مصالح کلان باشد و جامعه را از فساد و ظلم مصون بدارد، مشروعیت دارد (شاطبی،۳۲۰:۱٤۳۱). مقاومت مدنی علیه سیاست‌های سلطه‌طلبانه، در راستای حفظ این مصالح عمومی است( غزالی،٦٥:۱٤۲٤).

### قاعده نفی سبیل [٤]

بر پایه آیه « وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلاً » (نساء: ۱٤۱)، فقه شیعه سلطه و غلبه سیاسی، اقتصادی و فرهنگی بیگانگان بر جامعه اسلامی را

---

۱. No Harm, No Reciprocation of Harm

۲. «لاضَرَرَ وَ لاضِرارَ فی الاسلام»[ وسائل الشیعة، ۱٤/۲٦.] یا «لاضَرَرَ وَ لاضِرارَ عَلیَ المُؤمِن»[ وسائل الشیعة، ۳۲/۱۸.]

۳. Objectives of Islamic Law

٤. Negation of Dominance of Non-Muslims

نمی‌پذیرد. اقدامات غیرنظامی، از جمله اعتراض مدنی، تحریم و بایکوت، ابزار مشروع برای تحقق این قاعده هستند (امام خمینی،۱۳۹۲:۷۸).

### قاعده نفی سبیل و ارتباط آن با مواجهه غیرنظامی

قاعده نفی سبیل برگرفته از آیه شریفه «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلاً» (نساء: ١٤١) است و بر مبنای آن، هیچ‌گونه سلطه و برتری سیاسی، اقتصادی یا فرهنگی کفار بر مسلمانان مشروع نیست (طباطبایی،۱۳۷۸:۲۳). این قاعده از قواعد فقهی مهم شیعه است که هم در ابواب معاملات و هم در مسائل حکومتی کاربرد دارد (نجفی،١٣٦٢:٣٠١).

از منظر فقهی، مواجهه غیرنظامی، شامل اقداماتی چون تحریم اقتصادی، اعتراض مدنی، افشاگری و روشنگری عمومی، یکی از ابزارهای مشروع برای اجرای قاعده نفی سبیل محسوب می‌شود. زیرا این شیوه‌ها بدون خشونت و بی‌آنکه موجب هرج‌ومرج یا فساد شوند، مانع از تحقق سلطه بیگانگان می‌گردند (مکارم شیرازی،۱۳۸۲:۲۷). همچنین فقیهان شیعه تاکید دارند که این قاعده باید همراه با قاعده نفی ضرر و حفظ نظام تفسیر شود تا بهانه‌ای برای رفتارهای افراطی یا برهم زدن نظم جامعه نگردد (امام خمینی،۱۳۹۲:۱۰۸).

فقیهان شیعه، قاعده نفی سبیل را هم در ابواب عبادات و معاملات و هم در مسائل کلان حکومتی به‌عنوان یک اصل حاکم در نظر گرفته‌اند (نجفی،١٣٦٢:٣٠٨). این قاعده افزون بر منع سلطه خارجی، بر لزوم تدبیر و مقاومت در برابر هر ساختار یا سیاستی که زمینه استیلای بیگانگان را فراهم می‌کند، دلالت دارد (امام خمینی،۱۳۹۲:۸۹).

در فقه معاملات، قاعده نفی سبیل بدین معناست که عقد یا قراردادی که به سلطه اقتصادی یا حقوقی بیگانگان بر مسلمانان بینجامد، باطل یا فاقد مشروعیت

است (مکارم شیرازی،۱۳۸۲:٦٤). به‌طور مثال، فقها برخی از قراردادهای استعماری یا وام‌های ربوی بین دولت‌های اسلامی و قدرت‌های سلطه‌گر را مصداق سبیل دانسته و منع کرده‌اند (هاشمی شاهرودی،۱۳۸۲:۹۲).

در سطح کلان سیاسی، قاعده نفی سبیل مستند مشروعیت انواع روش‌های مقاومت از جمله مقاومت‌های غیرنظامی، تحریم اقتصادی، روشنگری فرهنگی و دفاع نرم است؛ زیرا این روش‌ها ابزاری مشروع برای جلوگیری از تحقق سلطه بیگانگان محسوب می‌شوند (وحید خراسانی،۱٤۰۳:۱۲٤). به همین دلیل، فقیهان تأکید کرده‌اند که قاعدهٔ نفی سبیل با قواعد دیگر همچون حفظ نظام و نفی ضرر باید تفسیر جمعی شود تا به بهانه نفی سبیل، نظم جامعه مختل نشود یا زمینه افراط فراهم نگردد (مطهری،۱۳٦۷:٦۸).

بر اساس این قاعده، در شرایطی که سیاست‌ها یا ساختارهای خارجی، به‌ویژه از سوی جریان‌هایی مانند حزب چای آمریکا، تهدیدی برای استقلال و عزت مسلمانان محسوب شود، جامعه اسلامی موظف به اقدام، ولو از راه‌های مدنی و غیرنظامی، برای مقابله است (طباطبایی،۱۳۷۸:۲۰٤ ؛ نجفی،۱۳٦۲:۱٤۷).

### قاعده حفظ نظام[۱]

از منظر فقه شیعه، حفظ نظام اسلامی از اوجب واجبات است (نجفی،۱۳٦۲:۱٤٥). اقدامات غیرنظامی مشروع زمانی پذیرفتنی است که منجر به بی‌نظمی و اخلال در امنیت عمومی نشود و در چارچوب عقلانیت و اخلاق انجام گیرد (وحید خراسانی،۱٤۰۳:۱۳۰).

---

۱. Preservation of Social Order

### قاعده حفظ نظام و ارتباط آن با الگوی فقهی مواجهه غیرنظامی

قاعده حفظ نظام به‌عنوان یک ضرورت عقلی و نقلی در فقه شیعه، به این معناست که هر آنچه برای برقراری و بقای نظم و امنیت عمومی جامعه اسلامی لازم باشد، واجب است (نجفی،۱۳٦۲:۲۰۳ ). این قاعده مبنایی است برای مشروعیت بخشیدن به اقداماتی که به دفاع از کیان امت اسلامی و جلوگیری از سقوط در هرج و مرج می‌پردازند(وحید خراسانی،۱٤۰۳:۲۰۳).

در چارچوب مواجهه غیرنظامی، قاعدهٔ حفظ نظام ایجاب می‌کند که اقدامات مدنی از قبیل اعتراض‌های قانونی، بیانیه‌های روشنگرانه و تحریم‌های هدفمند، نه تنها مشروع بلکه واجب کفایی تلقی شود، مشروط بر آنکه این اقدامات منجر به اخلال در امنیت و نظم عمومی نگردد (هاشمی شاهرودی،۱۳۸۲:۲۰۳). بدین‌ترتیب، مقاومت غیرنظامی نه به معنای براندازی نظام مشروع، بلکه به معنای اصلاح درونی و صیانت از مصالح عمومی است (مطهری،۱۳٦۷:٦۳).

قاعده حفظ نظام از قواعد بنیادین فقه شیعه است که هم پشتوانه عقلی دارد و هم مستندات فراوان نقلی از قرآن و سنت. مقصود از این قاعده آن است که بر مسلمانان واجب است نظام اجتماعی و سیاسی جامعه اسلامی را به‌گونه‌ای حفظ کنند که از فروپاشی، هرج و مرج و سلطه بیگانگان در امان بماند (نجفی،۱۳٦۲:۱۲۲).

### مبنای عقلی قاعده

از نظر عقل، بقای نوع بشر و جامعه به نظم و امنیت وابسته است. بدون نظام اجتماعی، جامعه دچار اختلال، ظلم و ناامنی می‌شود و تحقق تکالیف فردی و اجتماعی ممکن نخواهد بود به همین دلیل، عقل حکم می‌کند که حفظ نظام اجتماعی واجب باشد(وحید خراسانی،۱٤۰۳:۲۰۸).

در انسان سه قوه منفعت جویی، قدرت طلبی و استقلال خـواهی وجـود دارد که روی هر سه آن‌ها به سوی نفس است و البته در جای خود خوب هم هسـت مگر افراط و تفریط بشود.زندگی اجتماعی بشر، به گونه‌ای است که برای رسیدن به برخی منافع باید از نیروی خود و دیگران استفاده کند و در این راه مهم اسـت که استقلال خود را نیز حفظ نماید(مطهری،۱۳٦۷:۵۸).

عدم وابستگی در قدرت و یا طلب منفعت تا جایی که به اصل آن لطمه نزنـد خوب است یعنی اگر قدرت انسان در کنار دیگر قدرت‌ها قرار بگیرد تا بـه سـود جمعی برسد ولی اگـر قـدرت او در اختیـار اهـداف دیگـران قـرار بگیـرد، قـوه استقلال، مختل می‌شود. لذا برای رسیدن به منافع خاص یـا مشـترک بـا دیگـران می‌توان از نیرو و توان خود استفاده کرد تا به سود جمعی یا سود بیشتر رسید. اما اگر به هر دلیلی آزادی یا نیرو و قوت شـخص، بـه نفـع دیگـران محـدود شـود، استقلال انسان مختل می‌شود و توازن قوا به هم می‌ریزد(ماسلو،۱۹٤۳:۱۰۳).

پس افراط در استقلال به گونه‌ای که نفع مشترک یا بیشتر را از دسـت بدهـد، افراط در توان و قدرت و آزادی که استقلال دیگران را مختل کند یا سـودخواهی که ذیل قدرت و اراده دیگران تأمین شود، توازن قوا را از بین می‌بـرد و انسـان را در مسیر زندگی دچار بحران می‌سازد(مطهری،۱۳٦۲:۹۹).

## مبنای قاعده نقلی

در منابع نقلی و متون اسـلامی، حفـظ نظـام و انسـجام اجتمـاعی از اهمیـت ویژه‌ای برخوردار است و بسـیاری از آیـات قـرآن کـریم و روایـات معتبـر ایـن موضوع را به صورت مستقیم یا ضمنی تأیید و توصیه کرده‌اند. این قاعده در فقـه و سیاست اسلامی برجسته است زیرا سلامت نظام اجتماعی، لازمه اجرای احکام و حفظ کیان دین و جامعه می‌باشد.

یکی از آیات بنیادین در این زمینه، آیه ۱۰۳ سوره آل عمران است که می‌فرماید:«وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا» (آل عمران، ۱۰۳).این آیه به صراحت بر لزوم وحدت، همبستگی و پرهیز از تفرقه تأکید دارد و «حبل الله» به عنوان نمادی از دین و قانون الهی، محور وحدت جامعه شناخته شده است (طباطبایی،۱۳۷۸:۱٤۸).

در کنار آیات قرآن، روایات معصومین نیز به ضرورت وجود یک نظام یا رهبری (امام، والی، یا حاکم عادل) به عنوان ضامن صیانت از نظم اجتماعی اشاره دارند. برای نمونه، در کتاب کافی، از امام علی (ع) نقل شده است:«لا یصلح الناس إلا بامام ولا تصلح الأرض إلا بذلک» (کلینی،۱۳٦۳: ٤۰۲).این روایت نشان‌دهنده این واقعیت است که اصلاح و سلامت جامعه تنها از طریق وجود رهبری مقتدر و مسئول که قادر به اداره امور و ایجاد نظم باشد، ممکن است(صدوق،۱۳۷۷:۱۹٦).

از منظر فقهی، این اصل توسط فقهای بزرگ شیعه نیز مورد تأیید قرار گرفته است. امام خمینی (ره) در صحیفه خود می‌فرماید:«حفظ نظام از اوجب واجبات است و اگر نظام از بین برود نه از اسلام خبری خواهد بود و نه از احکام اسلام» (امام خمینی،۱۳۹۲:۱۵۳).ایشان اهمیت حفظ نظام سیاسی و اجتماعی را زیرساختی برای تحقق احکام اسلامی می‌داند.

محمدکاظم نجفی نیز در جواهر الکلام می‌نویسد:«حفظ النظام مما یتوقف علیه بقاء الإسلام و المجتمع، و هو من أهم الواجبات» (نجفی،۱۳٦۲:۳۹٦).صاحب جواهر[۱] حفظ نظم و نظام را شرط اساسی برای

---

۱. محمدحسن شریف اصفهانی یا محمدحسن نجفی (۱۲۰۲-۱۲٦٦ق) معروف به صاحب جواهر از فقهای شیعه در قرن سیزدهم قمری در نجف بود.

ادامه حیات اجتماعی و دینی می‌داند و آن را در ردیف مهم‌ترین واجبات قرار می‌دهد.

امام صادق(ع) نیز بر ضرورت التزام به جماعت و پرهیز از انشقاق تأکید دارند؛ مثلاً:« مَنْ فَارَقَ جَمَاعَةَ ٱلْمُسْلِمِينَ قِيدَ شِبْرٍ فَقَدْ خَلَعَ رِبْقَةَ ٱلْإِسْلَامِ مِنْ عُنُقِهِ.» کسی که بفاصله یک وجب از جماعت مسلمین دوری گزیند(کوچکترین حدود و احکام اسلام را کنار گذارد)رشته اسلام را از گردن خود جدا کرده است. (مسلم،۱٤۱۲:۱٤۷۸).این حدیث اهمیت حفظ وحدت و نظم اجتماعی را برجسته می‌کند و هرگونه فاصله گرفتن از جماعت اسلامی را معادل خروج از دایره اسلام می‌داند. (کلینی،۱۳٦۳:٤۰٤).

از منظر فلسفی، انسان موجودی اجتماعی است که رشد و تعالی او در بستر جامعه تحقق می‌یابد ( هابز،۱۹۹٦:۳۹ ؛ آرنت،۱۹۵۸:۲۳). فقه اسلامی نیز با توجه به این واقعیت، قواعد و اصولی وضع کرده است که هدف آن حفظ نظم، امنیت و عدالت در جامعه می‌باشد (مطهری،۱۳٦۷:۸۵). قاعده نقلی نیز به حکم شرعی و نقلی، ضرورت حفظ نظام را به عنوان یک اصل کلیدی مطرح می‌کند که از آیات، روایات و اجماع فقها بهره می‌برد (امام خمینی،۱۳۹۲:٥٦ ؛ نجفی،۱۳٦۲:۲۱۲).

در فقه امامیه، قاعده حفظ نظام از جمله قواعد حکومتی مهمی است که حتی در شرایط اضطراری مقدم بر برخی احکام جزئی‌تر است (صدوق،۱۳۷۷:۳۱۲ ؛ سید ابن طاووس،۱۳٦۷:۱٤٦)۱ . این قاعده بر این اساس استوار است که حفظ کل نظام اجتماعی و دینی، از بقاء و پایداری احکام فردی مهم‌تر است و هرگونه

---

۱. الخِصال کتابی عربی نوشته شیخ صدوق (درگذشت ۳۸۱ق) از فقها و محدثان شیعه در قرن چهارم هجری است.

اقدام که به تضعیف یا از بین رفتن نظام بینجامد، جایز نیست و حتی حرام محسوب می‌شود (کلینی،۱۳٦۳:۲۰٦ ؛ امام خمینی،۱۳۹۲:۸۳).

## دایره شمول قاعده

این قاعده نه تنها شامل لزوم وجود حاکمیت اسلامی است، بلکه همه اموری را در بر می‌گیرد که به بقای امنیت، عدالت، اقتصاد و استقلال جامعه کمک می‌کند. لذا هر اقدامی که به فروپاشی جامعه یا تضعیف کیان اسلامی بینجامد، شرعاً ممنوع است (مکارم شیرازی،۱۳۸۲:۲۷).

## ارتباط با مقاومت غیرنظامی

فقها تأکید دارند که مقابله با تهدیدات نرم و سخت که نظام اسلامی را به خطر اندازد، از مصادیق اجرای قاعده حفظ نظام است (هاشمی شاهرودی،۱۳۸۲:۱٦٤). این شامل تحریم‌های هدفمند، فعالیت‌های روشنگرانه، مقاومت‌های فرهنگی و اجتماعی، و دفاع نرم در برابر هجمه‌های بیگانه می‌شود. چنین اقداماتی به شرط آنکه موجب هرج و مرج و اخلال در امنیت عمومی نشود، واجب کفایی است (مطهری،۱۳٦۷:۷۲).

## جمع قاعده حفظ نظام با قواعد دیگر

حفظ نظام باید همراه با قواعد دیگر چون نفی سبیل، نفی ضرر، و دفع مفسده بزرگ‌تر لحاظ شود تا اقدامات دفاعی از مسیر مشروع و عقلایی خارج نشود (وحید خراسانی،۱۳٦:۱٤۰۳). به بیان دیگر، نه هر اقدامی به بهانه حفظ نظام مجاز است، نه می‌توان به بهانه پرهیز از اخلال، از مقابله با تهدیدات واقعی غفلت کرد.

تحلیل سیاست‌های حزب چای آمریکا در چارچوب فقه شیعه

حزب چای آمریکا (Tea Party)به‌عنوان جریانی محافظه‌کار با رویکردهای چندلایه در سیاست‌گذاری، عمدتاً سیاست‌هایی را دنبال می‌کند که می‌تواند منجر به تقویت سلطه فرهنگی، اقتصادی و حتی سیاسی بر جوامع دیگر گردد (لووی،۲۰۱۲:۱٤۹) .

حزب چای به‌عنوان جریانی محافظه‌کار و پوپولیستی که در سال‌های نخست دهه ۲۰۱۰ میلادی به‌ویژه پس از بحران اقتصادی ۲۰۰۸ در ایالات متحده شکل گرفت، دارای سیاست‌ها و رویکردهایی است که از منظرهای مختلف قابل ارزیابی است. این جریان با تأکید بر اصولی نظیر کاهش نقش دولت، محدودسازی مالیات‌ها، و پایبندی به ارزش‌های سنتی، در پی بازتعریف رابطه دولت و جامعه در آمریکا بوده است(اسکوپول و ویلیامسون،۲۰۱۲:۳۲٦) .

از منظر تحلیل‌های فقهی و به‌ویژه در چارچوب فقه شیعه، سیاست‌های حزب چای را می‌توان در قالب مقوله‌های عدالت اجتماعی، عدالت اقتصادی و نفی سلطه بررسی کرد. این رویکرد، امکان ارزیابی انتقادی سیاست‌های این جریان آمریکایی را بر مبنای اصول دینی و اخلاقی فراهم می‌کند.

نخستین نکته‌ای که در تحلیل سیاست‌های حزب چای آمریکا در چارچوب فقه شیعه برجسته می‌شود، تأثیر این سیاست‌ها بر مقوله عدالت است. در فقه شیعه، عدالت نه‌تنها یک اصل اخلاقی بلکه مبنای مشروعیت سیاسی و اجتماعی است (مطهری،۱٤۰۲:۱٥٦). سیاست‌های اقتصادی حزب چای که بر کاهش مالیات‌ها و محدودسازی خدمات عمومی تأکید دارند، در عمل می‌توانند به گسترش نابرابری‌های طبقاتی و تضعیف اقشار ضعیف جامعه منجر شوند(اسکوپول و ویلیامسون،۲۰۱۲:۳۲٦). این امر از منظر فقه شیعه که بر حمایت از مستضعفان و ضرورت ایجاد توازن اقتصادی در جامعه تأکید دارد، قابل نقد است (جواد آملی،۱۳۹۸:٤۲۳).

نکته دوم در این تحلیل، مسئله سلطه است. حزب چای به‌رغم تأکید بر استقلال داخلی آمریکا و مخالفت با گسترش نقش دولت فدرال، در حوزه سیاست خارجی از رویکردهایی حمایت می‌کند که می‌تواند تقویت‌کننده سلطه اقتصادی و سیاسی ایالات متحده بر کشورهای دیگر باشد(ویلیامسون و همکاران،۲۰۱۱:۳۱). در حالی که اصل نفی سبیل در فقه شیعه، هرگونه سلطه‌پذیری و سلطه‌گری بر اساس زور و استثمار را مردود می‌داند (مکارم شیرازی،۱۳۸۰:۲۱۱)، سیاست‌های حزب چای در عمل می‌توانند به تداوم و حتی گسترش این سلطه‌ها بیانجامد.

علاوه بر این، تحلیل سیاست‌های حزب چای آمریکا در چارچوب فقه شیعه نشان می‌دهد که این جریان محافظه‌کار از منظر ارزش‌های اخلاقی نیز با چالش‌هایی روبروست. هرچند این حزب بر پایبندی به خانواده، دین و اخلاق سنتی تأکید دارد (پارکر و بارتو،۲۰۱۳:۱۹٤)، اما در عمل سیاست‌هایی را دنبال می‌کند که می‌تواند به تقویت سرمایه‌داری افراطی و نادیده‌گرفتن ارزش‌های انسانی در عرصه اقتصادی منجر شود. از منظر فقه شیعه، اقتصاد باید در خدمت تحقق ارزش‌های انسانی، کرامت بشر و رفع فقر باشد و نه صرفاً در راستای سودجویی نامحدود (طباطبایی،۱۳۷۸:۲٦٥).

از منظر روش‌شناسی، تحلیل سیاست‌های حزب چای آمریکا در چارچوب فقه شیعه مستلزم تطبیق اصول کلی فقهی با مصادیق عینی سیاست‌گذاری‌های این حزب است. بدین ترتیب، می‌توان از اصولی چون عدالت، نفی سبیل، حمایت از محرومان، و حرمت استضعاف بهره گرفت و سیاست‌های اقتصادی، فرهنگی و خارجی این جریان را ارزیابی کرد. به‌عنوان نمونه، مخالفت حزب چای با بیمه درمانی همگانی (ObamaCare) به‌عنوان نماد مداخله دولت در بهداشت

عمومی، از منظر فقه شیعه که بر وجوب کفایی تأمین نیازهـای ضـروری جامعـه تأکید دارد، قابل مناقشه است(سروش،۲۰۱۰:۱۳۱).

در نهایت، می‌توان نتیجه گرفت که سیاست‌های حزب چای آمریکا، با وجـود برخی اشتراکات ظاهری در حوزه ارزش‌های اخلاقی، در عمل با اصول فقه شیعه به‌ویژه در حوزه عدالت اجتماعی، نفی سلطه و حمایـت از مستضـعفان تعـارض دارد. این تحلیل می‌تواند به غنای مطالعـات تطبیقـی در حـوزه سیاسـت و دیـن کمک کند و بستری برای گفت‌وگوهـای بین‌فرهنگـی دربـاره عـدالت، اخـلاق و سیاست فراهم آورد.

**از منظر فقه شیعه**

قاعده نفی سبیل، مواجهه غیرنظـامی را بـرای جلـوگیری از گسـترش سـلطه ساختارهای ظالمانه ناشی از سیاست‌های این حزب لازم می‌داند.قاعده حفظ نظام ایجاب می‌کند هرگونه مقابله با سیاست‌های سلطه‌جویانه این حزب به شـیوه‌های قانونی، عقلایی و اخلاقی انجام گیرد تا نظم اجتماعی آسیب نبیند.مقاصد شریعت (حفظ دین، جان، مال، عقل و نسل) نیـز مسـتند مشـروعیت اقـدامات مـدنی در مقابله با تبعات سیاسـت‌های حـزب چـای اسـت (غزالـی،۱٤۲٤:٤۱۰).بنـابراین، الگوی فقهی پیشنهادی در برابر سیاست‌های حزب چای آمریکـا، الگـویی اسـت مبتنی بر عقلانیت، عدم خشـونت، رعایـت مصـالح عمـومی و التـزام بـه قواعـد اسلامی که با ابزارهایی چون روشنگری، تحریم هدفمنـد و اعتراض‌هـای مـدنی محقق می‌شود.

## نمونه‌های تاریخی اجرای قاعده حفظ نظام

### *فتوای تحریم تنباکو*

یکی از شاخص‌ترین مصادیق اجرای قاعده حفظ نظام، فتوای تحریم تنباکو (۱۳۰۹ قمری) توسط میرزا حسن شیرازی۱ است. این فتوا در واکنش به قرارداد استعماری امتیاز تنباکو صادر شد که استقلال اقتصادی ایران را تهدید می‌کرد. میرزا شیرازی با استناد به ضرورت حفظ کیان امت اسلامی و جلوگیری از سلطه بیگانه، حکم به حرمت استعمال تنباکو داد (طباطبایی،۱۳۷۸:۲٤۳). این اقدام یک مقاومت مدنی گسترده را به راه انداخت که به لغو قرارداد انجامید و نمونه‌ای بارز از تحقق قاعده حفظ نظام در قالب دفاع غیرنظامی بود (مطهری،۱۳٦۷:۵۳).

### *فتوای جهاد علمای نجف علیه اشغال عراق توسط انگلیس*

در جریان اشغال عراق، علمای نجف به رهبری میرزای شیرازی۲ فتوای جهاد ۳ صادر کردند. هرچند جنبه نظامی هم داشت، اما تأکید اصلی آنان بر حفظ استقلال و نظام جامعه اسلامی عراق و مقابله با سلطه استعماری انگلیس بود. این فتوا پشتوانه فقهی خود را از قاعده حفظ نظام می‌گرفت (هاشمی شاهرودی،۱۳۸۲:۱۳۷).

---

۱ . سید محمدحسن حسینی شیرازی مشهور به میرزای شیرازی و میرزای مجدد( ۱۱۹٤ –۱۲۷۳قمری).

۲ . میرزا محمدتقی شیرازی (۱۲۲۱–۱۲۹۹قمری).

۳ . فتوای دفاعیه که فتوایی مشهور برای مقابله با اشغال عراق توسط انگلیس در سال ۱۹۲۰م بود.

### *نهضت مشروطه و قاعده حفظ نظام*

در جریان مشروطه، علمای عدالت‌خواه چون میرزای نائینی۱ تلاش کردند از طریق تدوین «نظریه دولت مشروطه مشروعه۲» نظم جامعه را از استبداد و آشوب نجات دهند و در عین حال، از سلطه بیگانگان پیشگیری کنند. نائینی قاعده حفظ نظام را مبنای وجوب حمایت از حکومت قانون‌مدار می‌دانست تا هرج‌ومرج و سلطه‌طلبی اجانب بر جامعه مسلط نشود (نائینی،۱۳۸۲:۲٤٦).

### ارتباط قاعده حفظ نظام با سیاست‌های حزب چای آمریکا

حزب چای آمریکا که در آغاز دهه ۲۰۱۰ به‌عنوان جنبشی ضدنهادگرای فدرال ظاهر شد، در ظاهر به‌دنبال کوچک‌سازی دولت و کاهش مالیات‌ها بود، اما در عمل، سیاست‌هایی را پیش گرفت که می‌تواند برای جوامع دیگر به‌ویژه کشورهای اسلامی تهدیدزا باشد. زیرا:حمایت این حزب از سیاست‌های تهاجمی اقتصادی (تحریم‌ها، جنگ اقتصادی) و فرهنگ‌سازی‌های مبتنی بر استیلا، می‌تواند مصداقی از ایجاد اختلال در نظام‌های مستقل باشد(کیلکولن،۲۰۱۳:۱۰۵).

قاعده حفظ نظام ایجاب می‌کند که جامعه اسلامی در برابر این‌گونه سیاست‌های چندلایه (اقتصادی، فرهنگی، رسانه‌ای) از طریق ابزارهای مقاومت نرم، تحریم متقابل، روشنگری رسانه‌ای و دیپلماسی هوشمند ایستادگی کند تا نظام اجتماعی و سیاسی‌اش از تزلزل مصون بماند (مکارم شیرازی،۱۳۸۲:۷٤ ؛ امام خمینی،۱۳۹۲:۱۲۸).

---

۱ . محمدحسین نائینی ملقب به شیخ الاسلام ( ۱۲۳۹–۱۲۷٦ قمری).

۲. نائینی، محمد حسن، تنبیه‌الأمه و تنزیه‌المله،۱۳۲۱ ق، ص ٤٥–٥۰.

## پیشنهادات برای مدل بومی مواجهه غیرنظامی

۱-تقویت گفتمان دینی-ملی با محوریت قاعده حفظ نظام

ایجاد سازوکارهای آموزشی و رسانه‌ای برای تبیین جایگاه شرعی مقاومت نرم و دفاع غیرنظامی بر اساس آموزه‌های فقهی، به‌ویژه قاعده حفظ نظام و نفی سبیل (وحید خراسانی،۱٤۰۳:۳۰۵).

### به‌کارگیری ابزارهای قانونی و مدنی برای خنثی‌سازی فشارها

استفاده از ظرفیت‌های قانون اساسی، نهادهای مردم‌نهاد، و مجامع بین‌المللی به‌عنوان روش‌های مشروع مقابله با سیاست‌های سلطه‌جویانه حزب چای و هم‌فکران آن (هاشمی شاهرودی،۱۳۸۲:۲٦۷).

### توسعه دیپلماسی عمومی و رسانه‌ای هوشمند

تولید و نشر محتوای رسانه‌ای در سطح بین‌المللی برای افشای چهره واقعی سیاست‌های چندلایه حزب چای و جلب حمایت افکار عمومی جهانی (مطهری،۱۳٦۷:۸۲).

### تحریم متقابل اقتصادی و فرهنگی

اجرای تحریم‌های هوشمند و هدفمند در حوزه‌های اقتصادی و فرهنگی علیه نهادها و شرکت‌هایی که ابزار اجرای سیاست‌های چندلایه حزب چای هستند (امام خمینی،۱۳۹۲:۲۱۱).

### تقویت انسجام داخلی و کاهش شکاف‌های اجتماعی

حزب چای و جریان‌های مشابه با بهره‌گیری از اختلافات داخلی به تضعیف نظام‌ها می‌پردازند. از این رو، تقویت عدالت اجتماعی، رفع تبعیض و افزایش مشارکت عمومی بهترین راهکار مقابله غیرنظامی است (نائینی،۱۳۸۲:۲٦۱).

## نمونه‌های تاریخی و تطبیقی بیشتر از قاعده حفظ نظام

### *مقاومت علمای شیعه در برابر استبداد رضاخانی*

در دوران حکومت پهلوی اول، سیاست‌های دیکتاتوری رضاخان به‌ویژه در موضوع کشف حجاب، محدودسازی شعائر دینی و نابودی حوزه‌های علمیه، تهدیدی علیه نظام دینی و هویت اسلامی کشور بود. علمای شیعه مانند آیت‌الله شیخ عبدالکریم حائری یزدی(ره) و آیت‌الله سید حسن مدرس(ره) با تکیه بر قاعده حفظ نظام، به اشکال مختلف از جمله مقاومت‌های مدنی و روشنگری‌های عمومی به مقابله برخاستند (مطهری،۱۳٦۷:۷۵ ؛ مکارم شیرازی،۱۳۸۲:۳۹).

### *نقش حوزه‌های علمیه در دفاع فرهنگی مقابل تهاجم فکری غرب*

در دوره معاصر، حوزه‌های علمیه با هدایت فقهایی چون امام خمینی(ره) و آیت‌الله بهجت(ره)، با تبیین معارف اسلامی، مقابله با ترویج سکولاریسم و الحاد، و نشر معارف اهل بیت (ع)، عملاً به حفظ نظام فرهنگی جامعه اسلامی پرداخته‌اند. این اقدامات مصداقی از اجرای قاعده حفظ نظام در عرصه فرهنگ است (وحید خراسانی،۱٤۰۳:۲۵۹).

### *جنبش‌های مردمی ضداستعمار در جهان اسلام*

حرکات مردمی علیه استعمار فرانسه در الجزایر، یا علیه انگلیس در مصر، که به‌ویژه علمای شیعه و سنی در آنها نقش محوری داشتند، از دیگر مصادیق این قاعده هستند. در این موارد، فقها بر اساس قاعده حفظ نظام، مردم را به مقاومت غیرنظامی و تحریم کالاهای استعماری دعوت می‌کردند (هاشمی شاهرودی،۱۳۸۲:۱٦۷).

## راهکارهای بومی فقهی برای مواجهه غیرنظامی با سیاست‌های چندلایه حزب چای

### *افزایش تاب‌آوری اقتصادی بر مبنای فقه المعاش*

فقه شیعه بر استقلال اقتصادی جامعه و وجوب تأمین نیازهای اساسی از درون تأکید دارد (نجفی،۱۳۶۲:۱۶۹). بنابراین، باید تولید داخلی، اقتصاد مقاومتی، و خودکفایی به‌عنوان یک تکلیف شرعی تقویت شوند تا فشارهای اقتصادی حزب چای و مشابه آن بی‌اثر شود (امام خمینی،۱۳۹۲:۱۴۳).

### *تقویت فقه رسانه و مسئولیت‌های فرهنگی*

مقابله با جنگ نرم حزب چای و جریان‌های همسو با آن نیازمند تولید محتوا و روشنگری هوشمند است. فقها وظیفه دفاع از فرهنگ اسلامی را بر عهده همه مسلمانان می‌دانند و تولید محتوا، مقابله با شایعات، و جهاد تبیین از مهم‌ترین ابزارهای آن است (مطهری،۱۳۶۷:۳۹ ؛ مکارم شیرازی،۱۳۸۲:۶۱).

### *ترویج وحدت اجتماعی و جلوگیری از نفوذ دشمن*

سیاست‌های حزب چای بر تحریک اختلافات داخلی جوامع اسلامی استوار است(کیلکولن،۲۰۱۳:۱۶۹). بر اساس قاعده حفظ نظام، تقویت وحدت ملی و مذهبی و پرهیز از دوقطبی‌سازی‌های خطرناک یک وظیفه شرعی و راهبردی است (نائینی،۱۳۸۲:۱۶۲).

### *توسعه دیپلماسی اسلامی برای خنثی‌سازی سیاست‌های چندلایه*

فقه شیعه تعامل با دیگر ملت‌ها برای دفع سلطه و تحقق مصالح عالیه اسلام را مجاز می‌شمارد. بهره‌گیری از دیپلماسی عمومی و همکاری‌های منطقه‌ای در برابر

فشارهای حزب چای، نمونـه‌ای از مواجهـه غیرنظـامی مشـروع اسـت (هاشـمی شاهرودی،۱۳۸۲: ۲۳۱).

## نتیجه‌گیری

در فضـای ژئوپلیتیـک پیچیـده و چندلایـه کنـونی، مواجهـه بـا سیاسـت‌های سلطه‌گرایانه‌ای همچون آنچه از سوی جریان‌هایی مانند حزب چای آمریکا اعمال می‌شود، صرفاً بـه اقـدامات نظـامی یـا واکنش‌هـای دیپلماتیـک سـنتی محـدود نمی‌شود؛ بلکه ضرورت دارد جوامع اسلامی، با تکیه بر ظرفیت‌هـای عمیـق فقـه شیعه، راهبردهای مقاومتی غیرمسلحانه و عقلایی را در پیش گیرند. فقه امامیه، با بهره‌گیری از اصولی نظیر قاعده نفی سـبیل، نفـی ضـرر، حفـظ نظـام و مقاصـد شریعت، چارچوبی اخلاق‌محور، مردم‌پایه و حقوقی برای دفـاع نـرم و مقاومـت مدنی در برابر اشکال جدید سلطه ارائه می‌دهد.

بررسی تطبیقی سیاست‌های حزب چای با این چارچوب‌ها، نشان می‌دهد کـه بسیاری از کنش‌های این جریان، چه در بعد اقتصادی و چه در عرصه فرهنگی و رسانه‌ای، با اصول عدالت‌محور فقه شیعه در تضـاد اسـت. از ایـن منظـر، پاسـخ مناسب به این تهدیدها، نه تقابل صرفاً سیاسی، بلکه طراحی و اجرای یک الگوی بومی از مقاومت غیرمسلحانه هوشمندانه، چندسطحی و مشروع است؛ الگویی که ضمن صیانت از اسـتقلال، کرامـت و هویـت فرهنگـی امـت اسـلامی، ظرفیـت درون‌زای جوامع اسلامی را برای مقاومـت نـرم تقویـت کـرده و تهدیـدها را بـه فرصت‌های تقویت انسجام درونی و هوشیاری جمعی تبدیل می‌کند.

**منابع**


۱.خمینی، روح الله. (۱۳۹۲). تحریرالوسیله (ج ۱). قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره).

۲.الزحیلی، وهبـهَ. (۱٤۰۹). الفقـه الإسـلامی و أدلتـه (ج ۸). دمشـق- سـوریه : دارالفکر.

۳.شاطبی، ابراهیم ؛(مصحح، رمضان، ابراهیم محمـد). (۱٤۳۱). الموافقـات فـی أصول الشریعۀ.ج ٤.لبنان. دار المعرفۀ.

٤.طباطبایی، محمدحسین ؛(مترجم، موسوی،محمدباقر). (۱۳۷۸). ترجمه تفسـیر المیزان (ج ۲۰). قـم: جامعـه مدرسـین حـوزه علمیـه قـم، دفتـر انتشـارات اسلامی.

٥.غزالی،محمد بن محمد؛(مصححین، رمضان،ابراهیم محمد،بهاری،محب الله بن عبدالشکور و انصاری، عبدالعلی بن محمد).(۱٤۲٤). المستصـفی مـن علـم الأصول(۲ج). بیروت: دارالارقم بن ابی الارقم.

٦.کلینـی، محمـد بـن یعقـوب ؛(مترجمـان، غفـاری،علی اکبـر، آخونـدی ،محمد).(۱۳٦۳). الکافی (ج ۸). تهران: دار الکتب الاسلامیه.

۷.مطهری، مرتضی. (۱۳۷٦). مجموعه آثار استاد شهید مطهری(امر به معروف و نهی از منکر).۳٤ج- تهران: انتشارات صدرا.

۸.مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۸۲). أنوار الفقاهۀ. قم: مدرسه امـام علـی بـن ابـی طالب(ع).

۹.نائینی، محمد حسین ؛(مصحح، ورعی ، جواد). (۱۳۸۲). تنبیـه الامـه و تنزیـه المله، قم، ایران، موسسه بوستان کتاب(مرکز چاپ و نشر دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم).

۱۰.نجفی، محمد حسین ؛(مصحح، قوچانی، عباس). (۱۳٦۲). جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام (ج ٤۳). بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۱۱.وحید خراسانی، حسین ؛(مقرر، کرباسی، علی). (۱٤۰۳). تحف العقول فی علم الاصول(درس‌های خارج اصول). قم: مدرسه الامام باقرالعلوم (ع).
۱۲.مطهری، مرتضی. (۱۳٦۲). انسان و ایمان. تهران: صدرا.
۱۳.مطهری، مرتضی. (۱٤۰۲). عدل الهی. تهران – ایران: صدرا.
۱٤.مطهری، مرتضی. (۱۳٦۸). حکمت و سیاست در اسلام. تهران: صدرا.
۱٥.مطهری، مرتضی. (۱۳٥۷). تعلیم و تربیت در اسلام. تهران: صدرا.
۱٦.هاشمی شاهرودی، محمود. (۱۳۸۲). بحوث فی الفقه (الخمس – هاشمی شاهرودی) (ج۲). قم – ایران: مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت (ع).
۱۷.ابن‌بابویه، محمد بن علی؛ (مصحح، مسترحمی، هدایت‌الله). (۱۳٦٦). حکم الأوامر: ترجمه علل الشرایع صدوق علیه الرحمه. تهران – ایران: کتابفروشی مصطفوی .
۱۸.نایینی، محمدحسین؛ (مصحح،رفاعی، عبد الجبار؛ و حلو، مشتاق). (۱۳۹۳). تنبیه الأمة و تنزیة الملة. بغداد – عراق: مرکز دراسات فلسفه الدین.
۱۹.ابن‌طاووس، علی بن موسی؛ (مصحح، آخوندی، محمد). (۱۳٦۷). إقبال الأعمال (ج ۱–۲). تهران – ایران: دار الکتب الإسلامیة.
۲۰.مسلم بن حجاج؛ (مصحح، عبدالباقی، محمد فؤاد). (۱٤۱۲). صحیح مسلم (ج ۱–٥). قاهره – مصر: دار الحدیث.
۲۱.ابن‌بابویه، محمد بن علی شیخ صدوق؛(مترجم،کمره‌ای، محمدباقر). (۱۳۷۷). خصال شیخ صدوق: با ترجمه و شرح فارسی (ج ۱–۲). تهران – ایران: کتابچی.

۲۲.جواد آملی، عبدالله (۱۳۹۸). ولایت فقیه؛ ولایت عدالت و فقاهت. قم: اسراء.
۲۳.مکارم شیرازی، ناصر؛ و جمعی از نویسندگان. (۱۳۸۰). تفسیر نمونه. قم – ایران: مدرسۀ الإمام علی بن ابی طالب (ع).

۲٤. Arendt, H. (۱۹۵۸). The Human Condition. University of Chicago Press.
۲۵. Barrett, Kaitlyn M. (۲۰۱۱). Political Communication in a Digital Age: ۲۰۱۱ Tea Party Senators and Social Media.
۲٦. Blum, Rachel Marie, and Christopher Sebastian Parker. (۲۰۱۹). “Trump-Ing Foreign Affairs: Status Threat and Foreign Policy Preferences on the Right.” Perspectives on Politics ۱۷(۳): ۷۳۷–۵۵.
۲۷. Caballero, Ricardo J. (۲۰۰۹). Crisis and Reform: Managing Systemic Risk. In Rivista di Politica Economica
۲۸. Carter-Parks, Alexander Elliott. (۲۰۱۵). The ۲۱st Century Activist's Dilemma: Social Media's Impact on the Occupy and Tea Party Movements.
۲۹. Cohn, Samuel. (۲۰۱۵). The Tea-Party In Macrosociological Perspective.
۳۰. Drolet, Jean-François, & Williams, Michael C. (۲۰۱۹). America first: paleoconservatism and the ideological struggle for the American right. Journal of Political Ideologies, ۲۵, ۲۸ - ۵۰.
۳۱. Elliott, Richard. (۲۰۱۷). It’s Just a Jump to the Right: The Tea Party’s Influence on Conservative Discourse. European Journal of American Studies, ۱۲.

۳۲. Hepler, Reed. (۲۰۲۳).Tea Party Movement Definition, History & Beliefs. Study.com.Political Science ۱۰۲: American Government.

۳۳. Hobbes: Leviathan ; Thomas Hobbes Richard Tuck,(۱۹۹٦) Harvard University, Massachusetts ; Published.

۳٤. Ivaldi, Gilles., & Mazzoleni, Oscar. (۲۰۱۸). Economic Populism and Producerism: European Right-Wing Populist Parties in a Transatlantic Perspective. Populism.

۳۵. Kilcullen, D. (۲۰۱۳). Out of the Mountains: The Coming Age of the Urban Guerrilla. Oxford University Press.

۳٦. Lowi . Theodore J., Ginsberg . Kenneth A. Benjamin,. Stephen Ansolabehere. Shepsle ,. (۲۰۱۲). American Government: Power and Purpose . W. W. Norton & Company. English.

۳۷. Maslow, A. H. (۱۹٤۳). A theory of human motivation. Psychological Review, ۵۰(٤), ۳۷۰–۳۹٦.

۳۸. Michael, George. (۲۰۱۵). O Tea Party e a batalha pelo futuro dos Estados Unidos. Estudos Ibero-Americanos, ٤۱(۲), ۳۰۷–۳۲۷.

۳۹. Palmer, David. (۲۰۱۱). The Tea Party and social movements [Honors thesis, Honors Council].

٤۰. Parker, C. S., & Barreto, M. A. (۲۰۱۳). Change they can't believe in: The Tea Party and reactionary politics in America. Princeton University Press.

٤۱. Parker, Christopher S, & Barreto, Matt A. (۲۰۱٤). Change they can’t believe in: The Tea Party and reactionary politics in America (۳rd ed., paperback ed., with a new afterword by the authors). Princeton University Press.

۴۲. Pew Research Center. (۲۰۱۰). Tea Party and views of government overreach. Pew Research Center.
۴۳. Puentes, Rebeca B. (۲۰۱۳). Tea Party movement mobilization: Examining the role of emotive cues and strategic appeals [Doctoral dissertation, The University of Texas at El Paso]. ProQuest Dissertations & Theses Global.
۴۴. Ray, Michael. (۲۰۲۵). "Tea Party Movement." Encyclopaedia Britannica. Last modified June ۵, ۲۰۲۵.
۴۵. Rouse, Stella M., Hunt, Charles., & Essel, Kristen. (۲۰۲۲). Growing tea with subnational roots: Tea Party affiliation, factionalism, and GOP politics in state legislatures. Political Science Faculty Publications and Presentations. Boise State University ScholarWorks.
۴۶. Scher Abby, Berlet Chip.(۲۰۱۴). ChapterThe Tea Party Moment. Routledge. Pages۲۶.
۴۷. Skocpol, T., & Williamson, V. (۲۰۱۲). The Tea Party and the remaking of Republican conservatism. Oxford University Press.
۴۸. Skocpol, Theda. (۲۰۲۵). “The Rise, Fall, and Influence of the Tea Party Insurgency. By Patrick Rafail and John D. McCarthy. Cambridge, United Kingdom; New York: Cambridge University Press, ۲۰۲۴. ۲۵۰p. Perspectives on Politics ۲۳(۱).P۲۸.
۴۹. Soroush, A. (۲۰۱۰). Reason, freedom, and democracy in Islam. Oxford University Press.
۵۰. Wald, Kenneth D., & Vasquez, Andrea Peña. (۲۰۱۸). Cultural foundations of right-wing politics in the United States: The case of the Tea Party movement. Surveyjournalen.
۵۱. Williamson, V., Skocpol, T., & Coggin, J. (۲۰۱۱). The Tea Party and the remaking of the Republican Party. Perspectives on Politics, ۹(۱), ۲۵-۴۳.

۵۲. Williamson. Vanessa, Skocpol. Theda, Coggin. John,. (۲۰۱۱). The Tea Party and the remaking of Republican conservatism. Princeton University Press. Perspectives on Politics, Vol. ۹/No. ۱،۲۵-٤۳.
۵۳. Zeskind, Leonard. (۲۰۱۲). A Nation Dispossessed: The Tea Party Movement and Race. Critical Sociology, ۳۸(٤), ٤۹۵–۵۰۹.